

خانه‌ها و... رادیو گوش می‌دهند. اگر رادیو، رابطه‌اش را با مردم بیشتر کند، موفق‌تر خواهد بود. وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به این‌که در گذشته بیشتر برنامه‌های رادیویی میدانی اجرا می‌شد، می‌افزاید: ما در گذشته بیشتر کارهای محیطی و میدانی داشتیم؛ برای اجرای برنامه‌ها به پارک‌ها و بوستان‌ها می‌رفتیم و با مشارکت و حضور مردم برنامه را اجرا می‌کردیم، هم خودمان و هم مردم بیشتر لذت می‌بردیم. به نظر اگر مثل گذشته رادیو بیشتر در میان مردم باشد، بی‌شک موفق‌تر خواهد بود.

رادیو مسیر خوبی را طی می‌کند

بازیگر طنز رادیو و تلویزیون در پاسخ به این پرسش که به نظر شما در دنیای امروزی که دسترسی به انواع و اقسام رسانه‌ها و کانال‌ها آسان شده، رادیو در زندگی مردم تا چه اندازه نقش دارد؟ توضیح می‌دهد: اگر چه دسترسی به انواع و اقسام رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی زیاد شده اما رادیو خیلی مسیر خوبی را طی می‌کند و وضعیت خیلی خوبی دارد. به‌شخصه هنوز حضور پررنگ رادیو را در خانه‌ها و ماشین‌ها می‌بینم. اکثر مردم در ماشین، مغازه،

یا زمانی که اجرای برنامه «جمعه ایرانی» را برعهده داشتم، همه آن برایم خاطره است؛ همه قدیمی‌ها دور هم جمع می‌شدیم، گل می‌گفتم و گل می‌شنیدیم. یاد خاطره‌های قدیم می‌افتادیم، خیلی خوش بودیم. همه اینها خاطره است.

پارسی درخصوص این پرسش که کدام یک از اعضای خانواده کار شما را دنبال می‌کند؟ تعریف می‌کند: همسر که از اول آموزش و پرورش بود. در مقطع تحصیلی دبستان تدریس می‌کرد. چند سالی است که بازنشسته شده. دو پسر و یک نوه دارم که کارم را دنبال نکردند. اوایل پسر کوچکم یکی دوتا کار انجام داد؛ چون استعداد داشت خیلی دنبالش آمدند اما خودم نگذاشتم. گفتم که از درس و زندگی می‌افتی. پیشنهاد کردم اگر می‌خواهی این کار را ادامه دهی باید تحصیلات را ادامه بدهی. بالاخره رفت سراغ کار خودش، اما یک نوه کوچک دارم که با وجود این که ۱۱ سال بیشتر ندارد خیلی علاقه‌مند است و از حالا کارهای نریشن انجام می‌دهد و برای مدرسه می‌فرستد. حتی نمایشنامه خوانی می‌رود.

رسانه‌ای بر پایه عشق و زندگی

پارسی درباره این که مهم‌ترین مؤلفه و ویژگی شاخص کار در رادیو چیست و بازیگران به‌ویژه کسانی که کار طنز می‌کنند چگونه در این عرصه ماندگار شدند؟ عنوان می‌کند: همیشه گفته‌ام که رادیو بر دو پایه عشق و زندگی استوار است. پیش‌تر هم گفتم کار در رادیو سخت‌تر از هنرهای نمایشی است. از سال ۱۳۵۳ تا الان طنز کار می‌کنم، کار طنز رادیویی خیلی متفاوت است؛ چراکه طنزپرداز باید ذائقه مخاطبش را بشناسد، دوم این‌که حس پشت کارش باشد و چیزهایی را که می‌گوید به دل مخاطب بنشیند. وقتی از پارسی می‌پرسیم خاطره‌ای از اولین بازی‌اش دارد؟ می‌گوید: روزی که وارد کار تئاتر شدم، خوب به یاد دارم یک نمایشی بود که اصلاً حرف نمی‌زد. فقط یک ظرف انگور دستم بود، پادشاه می‌آمد و می‌گفت: غلام انگوری، انگور بده، من ظرف را می‌آوردم جلو، انگور را می‌چید و می‌خورد.



روزی که وارد کار تئاتر

شدم، خوب به یاد

دارم یک نمایشی بود

که اصلاً حرف نمی‌زد

فقط یک ظرف انگور

دستم بود، پادشاه

می‌آمد و می‌گفت:

غلام انگوری، انگور

بده، من ظرف را

می‌آوردم جلو، انگور را

می‌چید و می‌خورد



مکت



بیشتر به تئاتر علاقه‌مندم

این بازیگر اوقات فراغت‌ش را هم با کار در رادیو و ایفای نقش در تئاتر می‌گذراند و عنوان می‌کند: کار در رادیو و تئاتر جزو دلمشغولی‌های این روزهایم است. بیشتر به تئاتر علاقه‌مند هستم. خیلی دعوت‌های تئاتری دارم، می‌روم و از نزدیک کار دیگر دوستان را می‌بینم. گاهی اوقات با بچه‌های تئاتر کار می‌کنم و گاهی هم خودم کار نمایش دارم. وقتی از پارسی می‌پرسیم که چقدر اهل مطالعه است و مطالعه در کارش چه نقشی دارد، پاسخ می‌دهد: مسلماً برای کار ما مطالعه بسیار ضروری است؛ کار هنر به مطالعه نیاز دارد. کتاب‌های مختلفی را می‌خوانم به‌ویژه کتاب‌های تئاتری که درباره فن بیان است یا نمایش‌های تئاتر می‌خوانم. خیلی مطالعه می‌کنم. به رمان هم خیلی علاقه دارم. کتابخانه بزرگی دارم که در آن کلی کتاب خوانده شده و البته خوانده نشده هم هست که سعی می‌کنم آنها را بخوانم. وی می‌گوید: در سال پیش رو آرزوی موفقیت برای همه مردم ایران به‌ویژه بچه‌های هنری می‌کنم. امیدوارم هنر این جوان‌ها دیده شود از ما که گذشت، ان‌شاء... سال آینده هنر این جوان‌ها بیشتر دیده شود.



رفیق یا اولین مشوق

بازیگر نقش آمیرزا با بیان توصیه‌هایی پیرامون موفقیت در عرصه اجتماع و در زندگی شخصی صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه می‌دهد: انسانیت خیلی مهم است. «سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز/ مرده آن است که نامش به نجویی نبرند» نیک زندگی کردن، با مردم مدارا کردن، خوب بودن، انسانیت به خرج دادن در یک لفظ، «انسانیت» است که پابرجا خواهد بود؛ مثلاً پس از سال‌ها می‌بینیم یاد و خاطره مرحوم تختی هنوز در ذهن‌ها زنده است. در زندگی هم باید شرافت داشت. برای شرافت هم کاری نباید کرد جز این‌که انسانیت به خرج دهیم. این‌گونه است که موفقیت حاصل می‌شود. پارسی درباره این‌که چه کسانی در موفقیتش نقش داشتند، می‌افزاید: اولین شخصی که به ذهنم خطور می‌کند جواد انصافی است، در کودکی و نوجوانی تئاتر کار نمی‌کردم اما انصافی از بچگی کار تئاتر را شروع کرده بود، به واسطه او بعد از دیپلم، سال ۱۳۵۳ وارد تئاتر شدم. اولین کسی که در این کار مشوقم بود جواد انصافی دوست قدیمی و پیشکسوت بازیگری تئاتر، رادیو و تلویزیون است. بالاخره نمی‌توان از کسانی که در کارم یاری‌ام کردند گذشت مثل مرحوم فنی زاده که خیلی برایم زحمت کشید یا مثلاً خانم خجسته‌کیا در دوران جوانی خیلی در تئاتر به کمک من آمد. محمد عیوضی یکی از اساتیدی بود که خیلی به گردنم حق داشت، در واقع همه‌کاره تیم عبدلی و اوستا بود. همچنین مرحوم صادق عبداللهی، طنزپرداز، نویسنده و کارگردان صدا و سیما که نویسندگی صبح جمعه با شما را برعهده داشت. خودم را خیلی مدیون این استادان می‌دانم.

پایداری تارسیدن به هدف

پارسی در پاسخ به این پرسش که به علاقه‌مندان بازیگری و اجرا چه توصیه یا پیشنهادی دارد، بیان می‌کند:

قبل از شروع فعالیت‌هایم در رادیو، تصور می‌کردم که کار کردن در این زمینه بسیار ساده است، اما زمانی که کارم را در رادیو آغاز کردم، متوجه شدم این کار واقعا دشوارتر از هر فعالیت نمایشی دیگری، از جمله تئاتر، تلویزیون و سینماست. در گذشته هر کسی به همین راحتی نمی‌توانست وارد رادیو شود اما در حال حاضر رادیو همه جوان‌ها را دربرگرفته و راه برای جوانان

می‌کردند. در حال حاضر شرایط تغییر کرده، باشگاه‌های مخاطبان راه‌اندازی شده و افرادی که استعداد دارند جذب می‌شوند یا جشنواره‌های مختلفی که در رادیو با هدف استعدادیابی نیروهای جوان و خوش ذوق برگزار می‌شود، خیلی خوب است. در برنامه‌هایی که در قالب مسابقه گویندگی در رادیو برگزار می‌شود، جوان‌ها می‌توانند شرکت کنند. اگر خوب باشند، انتخاب می‌شوند و وارد رادیو خواهند شد. امیدوارم جوان‌هایی که می‌آیند یک مقدار پایداری داشته باشند تا بتوانند وارد صحنه شوند.

باز است. علاقه‌مندان این حرفه باید کمی صبور باشند، جوان‌های امروزی خیلی زود می‌خواهند به نتیجه برسند، یعنی می‌خواهند راه صدساله را یک شبه طی کنند. باید بدانند که کار هنر به هیچ وجه این‌گونه نیست؛ باید تحصیلات مرتبط داشته باشند یا این‌که در کلاس‌های آموزشی شرکت کنند، بیاموزند و تجربه کسب کنند.

در گذشته زمان ما کلاس‌های بازیگری و کارگاه‌های آموزشی بازیگری یا اجرا نبود، خودمان باید کارها را می‌دیدم، کار می‌کردیم تا ببینند استعداد داریم یا خیر. وقتی موردپسند واقع می‌شدیم ما را به کار دعوت